

The Moral Value in Politics: Islam's Perspective (3)

Ayatollah Allameh Muhammad Taqi Misbah Yazdi

Abstract

Some individuals of the Islamic community are ascetic and pious, but have no motivation or desire to deal with political issues or consider it a vain and worldly task. On the other hand, some individuals express particular concern for this matter and believe in the importance of addressing political issues. There are also differing opinions about the morality of certain personal behaviors, which need to be evaluated to distinguish between the right and wrong. Therefore, we must explain Islam's view on the relationship between ethics and politics. For this purpose, we will first mention the meaning of ethics in Islam and then will discuss the necessity of paying attention to 'act goodness' along with 'agent goodness', the role of the different levels of intention in the value of act, the criterion of real value, the distinction between legal value and moral value, and value in political issues.

Keywords: ethics, act goodness, agent goodness, moral value, legal value.

ارزش اخلاقی سیاست از منظر اسلام (۳)*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح یزدی *

چکیده

برخی افراد در جامعه اسلامی اهل زهد و تقوا هستند؛ اما برای پرداختن به مسائل سیاسی انگیزه و میلی ندارند یا آن را کاری لغو و دنیاگرایانه می‌دانند. در مقابل، برخی نسبت به آن اهتمام ویژه دارند و به ضرورت طرح مسائل سیاسی معتقدند. درباره درست یا نادرست بودن برخی رفتارهای شخصی نیز دیدگاه‌های گوناگونی ابراز می‌شود که نیازمند اعتبارسنجی و تشخیص دیدگاه درست از نادرست است. از این رو باید دیدگاه اسلام درباره ارتباط اخلاق و سیاست را تبیین کنیم. بدین منظور، در گام نخست به چیستی اخلاق از منظر اسلام اشاره و سپس به لزوم توجه به حسن فاعلی در کنار حسن فعلی، نقش مراتب نیت در ارزش کار، ملاک ارزش واقعی، تمایز ارزش حقوقی از ارزش اخلاقی و ارزش در مسائل سیاسی می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، حسن فاعلی، حسن فعلی، ارزش اخلاقی، ارزش حقوقی.

چیستی اخلاق از منظر اسلام

سؤال کننده بگویم، راست گفته‌ام و خود راستگویی کاری خوب است؛ اما در عین حال این پرسش نیز مطرح می‌شود که من از راستگویی در مقام پاسخ به سؤال، چه نیتی داشته‌ام؟ آیا نشان دادن محل زندگی یک شخص به این نیت بوده است که دستگیر شود و مورد آزار و ظلم قرار گیرد یا نیت دیگری داشته‌ام؟ بنابراین درباره پاسخ من دو گونه می‌توان قضاوت کرد: یکی درباره خود این کار (راستگویی) و دیگری درباره این کار با در نظر گرفتن نیت و انگیزه من.

مثال دیگر، نماز خواندن است. گاه خود این کار را با صرف نظر از نیت نمازگزار از خواندن آن در نظر می‌گیریم و گاه به نیت نمازگزار هم توجه می‌کنیم. ممکن است نمازگزار شرایط ظاهری نماز را به خوبی رعایت کند، اما نماز را با قصد قربت به جا نیاورد و انگیزه‌اش ریاکاری باشد. در این صورت، هرچند نماز به اصطلاح حسن فعلی دارد، اما با در نظر گرفتن نیت نمازگزار، حسن فاعلی ندارد.

بدین سان اصطلاح حسن فعلی و حسن فاعلی مطرح می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۰-۳۴۱ و ۳۵۵-۳۵۶؛ ۱۳۹۴، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ ۱۳۹۱، ص ۶۰-۶۱). اکثر فیلسوفان و اندیشمندان که از قدیم درباره اخلاق بحث کرده‌اند، به نیت فاعل توجه نداشته‌اند و فقط خود فعل را کانون توجه قرار داده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۷ و ۳۵۵؛ ۱۳۹۴، ص ۸۱) تا آنکه در اروپا و چه بسا تحت تأثیر تعالیم دینی مسیحیت، جهشی در اندیشه فیلسوفان پیدا شد و برخی معتقد شدند که ارزش کار را نمی‌توان بدون توجه به نیت فاعل از انجام دادن آن کار ثابت کرد. همچنین برخی اصل ارزش اخلاقی یک کار را همان نیت فاعل از انجام دادن آن می‌دانستند. بر این اساس ارزشمندی کار از این جهت است که به تحقق نیت و ظهور آن کمک می‌کند. به دنبال این بحث، برخی دیگر از مسائل اخلاقی نیز مطرح شده است؛ مثلاً کار کسی که نیت خوبی داشته باشد، ولی در انجام دادن کارش اشتباه کند یا بالعکس، با نیت بد، کار خوبی را انجام دهد، چگونه ارزیابی می‌شود؟

به هر حال بحث تأثیر نیت در ارزش یک کار، در عصرهای اخیر در مغرب زمین مطرح شده است؛ ولی این مسئله از قدیم در ادیان، به خصوص اسلام، مطرح بوده است؛ برای نمونه رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَلِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ

اخلاق در برداشتی عامیانه، مقوله‌ای تفننی است که در زمره فضیلت‌ها و مستحبات قرار دارد. طبق این برداشت از اخلاق، بحث درباره آن ضروری نیست و نفی یا اثبات مسائل اخلاقی چندان اهمیتی ندارد؛ بلکه آنچه مهم است، انجام واجبات و ترک گناهان است. این برداشت از اخلاق، نادرست است.

منظور از اخلاق که امروزه در محافل علمی دنیا مطرح می‌شود، نظامی رفتاری است که به خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و باید و نباید متصف می‌شود و گاه ممکن است ضرورت داشته و شرعاً واجب باشد؛ اگرچه نامش مسائل اخلاقی است.

به منظور دستیابی به فهم و زبان مشترک با مخاطبان در مقام بحث درباره رابطه اخلاق و سیاست در اسلام، به این نکته اشاره می‌کنیم که منظور ما از اخلاق در این بحث رفتارهای ارزشی است؛ اعم از اینکه صفات نفسانی و ملکات راسخه باشد یا کارهایی که به خوبی و بدی متصف می‌شود یا لزوم انجام دادن یا لزوم ترک آنها با باید و نباید بیان می‌گردد (برای آگاهی تفصیلی از معانی و کاربردهای گوناگون اخلاق و علم اخلاق، ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹-۲۵).

لزوم توجه به حسن فاعلی در کنار حسن فعلی

رفتارهایی که عقلاً در محاورات عرفی، خوب یا بد می‌دانند، دو حیثیت دارد:

الف) خود رفتار، بدون در نظر گرفتن اینکه انجام‌دهنده آن چه نیت و انگیزه‌ای از آن دارد؛

ب) رفتار با در نظر گرفتن نیت فاعل از انجام دادن آن. به عبارت دیگر گاهی یک کار صرف نظر از انتساب آن به فاعل و تأثیر آن کار در فاعل در نظر گرفته می‌شود و گاهی هدف آن است که ارزش یک کار را برای انجام‌دهنده آن اثبات، و رفتار فاعل را به خوبی یا بدی متصف کنیم؛ محض نمونه، اگر کسی از من درباره محل زندگی شخصی سؤال کند و من بدانم کجا زندگی می‌کند و سؤال کننده قصد تعقیب و آزار شخص مورد سؤال را دارد، به لحاظ اخلاقی چه کار باید انجام دهم و رفتار من به لحاظ اخلاقی چگونه ارزیابی می‌شود؟ روشن است که اگر محل زندگی او را به

نقش مراتب نیت در ارزش کار

هدفی که برای انجام دادن کاری در نظر گرفته می‌شود، ممکن است به‌حسب اشخاص، متفاوت باشد. فرد روزه‌داری را فرض کنید که هنگام افطار گرسنه بوده و فقط برای سیر شدن غذا خورده است. روشن است که کار مفیدی کرده و به نسبت خود، نیت خوبی هم داشته است؛ اما به‌جز نجات یافتن از رنج گرسنگی، نتیجه دیگری به دست نیآورده است. برخی دیگر از افراد، از غذا خوردن هنگام افطار به مراتب بالاتری از اهداف توجه دارند؛ برای نمونه برخی متدینان با نیت استحباب هنگام افطار غذا می‌خورند تا به این دستور شرعی عمل کرده باشند. این نیت در مرتبه‌ای بالاتر از نیت افطار برای سیر شدن قرار دارد؛ زیرا کسی می‌تواند چنین نیتی داشته باشد که خدا، دین اسلام، آخرت و اموری از این قبیل را باور داشته باشد.

برخی افراد همواره به فکر خدمت به مردم هستند و هنگامی که دست به کاری می‌زنند، انگیزه‌شان نفع رساندن به دیگران است. این‌گونه افراد از خدمت به دیگران بیشتر از سود طفیلی خودشان لذت می‌برند. بعضی دیگر نه‌تنها از خدمت به دیگران، بلکه از اینکه خدا و پیغمبر نیز از آنها راضی هستند، لذت می‌برند. امام صادق ع در روایتی عبادت‌کنندگان خدا را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: بعضی خدا را از ترس عذاب عبادت می‌کنند، گروهی نیز امید به ثواب بسته‌اند و دسته سوم خداوند را به این دلیل می‌پرستند که او را دوست دارند. ایشان سپس می‌فرماید: «لَكِنَّیْ اَعْبُدُهُ حُبًّا لَه» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۸؛ ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲-۱۳؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۶)؛ اما من خداوند را از روی محبت به او عبادت می‌کنم.

روشن است که تفاوت در نیت‌ها در ارزش کار، بسیار اثر می‌گذارد و ممکن است انجام دادن کاری به دلیل نیت‌های گوناگون، ارزش‌های متفاوت داشته باشد و این تفاوت به جایی می‌رسد که دیگر نمی‌توان ارزش آن را تعیین کرد. ارزش کار اولیای خدا که خودشان را فراموش کرده و هر کاری را فقط برای خدا انجام می‌دهند، قابل محاسبه نیست؛ چون کار برای کسی است که از همه جهت بی‌نهایت است. در این صورت، تعیین حد و حدود برای ارزش، بسیار مشکل است؛ چنان‌که در حدیثی قدسی، روزه برای خداوند این‌گونه ارزیابی شده است: «لِالصَّوْمِ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۷۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۲؛ کلینی،

كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَهَاجَرَتْهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةً يَتَرَاجُهَا، فَهَاجَرَتْهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ (ابن‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۸۲-۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۴۹)؛ همانا اعمال به نیت‌هاست و بهره هرکس همان است که نیت کرده. پس هرکس به‌سوی خدا و رسولش هجرت کند، هجرتش به‌سوی خدا و رسول او خواهد بود و هرکس به‌سوی دنیا هجرت کند، بدان قصد که به آن دست یابد یا به‌سوی زنی تا با او ازدواج کند، پس هجرتش به‌سوی همان چیزی خواهد بود که به‌سوی آن هجرت کرده است.

بنابراین در بحث رابطه اخلاق و سیاست از منظر اسلام، هنگام قضاوت درباره ارزش یک کار نه‌تنها حسن فعلی، بلکه حسن فاعلی هم باید در نظر گرفته شود.

نقش نتیجه در ارزش کار

حال این پرسش مطرح می‌شود که چه کاری حسن یا قیح فعلی دارد و فی‌حدنفسه خوب یا بد شمرده می‌شود؟ دیدگاه درست در این مسئله آن است که ارزش یک کار را باید در ارتباط با نتیجه‌اش سنجید. به بیان فلسفی، کار مجموعه حرکتی برای دستیابی به هدفی است. از این‌رو به‌خودی‌خود، از آن جهت که حرکت است، اصالت ندارد؛ بلکه مقدمه دستیابی به هدف است. به همین دلیل، ارزش آن هم تابع ارزش هدف آن کار است. اگر یک کار با نتیجه‌اش سنجیده شود و منافعی بر آن مترتب باشد، انجام دادن آن خوب است و اگر بنا بر فرض، انجام دادن کاری برای برخی فایده، و برای برخی دیگر ضرر داشت، خوبی و بدی آن کار، نسبی خواهد بود؛ یعنی برای دسته اول خوب و برای دسته دوم بد است. این نکته فی‌الجمله مورد قبول همگان است که خوبی و بدی یک کار فی‌نفسه و با صرف‌نظر از انتساب آن به فاعل، وابسته به نتیجه‌ای است که بر آن کار مترتب می‌شود.

بنابراین یک کار باید فی‌نفسه خوب باشد تا نیت صالح نیز به آن ضمیمه شود و کار مورد نظر، ارزش اخلاقی پیدا کند؛ وگرنه اگر انسان کاری را برای رسیدن به منفعت خود انجام دهد، لزوماً دارای ارزش اخلاقی نیست؛ زیرا ممکن است با انگیزه خودنمایی و ریا انجام شده باشد.

نپردازد. اگر انسان بخواهد مال حلال داشته باشد، باید خمس آن را هم پرداخت کند؛ هرچند در پرداخت آن قصد قربت نداشته باشد. بنابراین در مال انسان، حق دیگری وجود دارد که باید پرداخت شود. از این رو پای یک مسئلهٔ حقوقی در میان است.

پرداخت زکات نیز این‌گونه است. مأمور و کارگزار دولت اسلامی می‌تواند از طرف دولت اسلامی، زکات واجب را بگیرد؛ اما ثواب بردن از پرداخت زکات به نیت صاحب مال بستگی دارد؛ اگر برای خدا زکات داده است، کار او عبادت به حساب می‌آید و از آن ثواب می‌برد؛ اما اگر زکات را به‌زور پرداخت کرده یا قصد قربت نداشته است، ثوابی نمی‌برد؛ هرچند مال او حلال شده است.

مثال دیگر، پرداخت نفقهٔ زن از سوی شوهر اوست. اگر مرد نفقه را ندهد، زن به‌عنوان طلبکار می‌تواند از شوهرش شکایت کند تا به حق مالی خود برسد و در واقع حق زن به گردن شوهرش است. در این صورت، اگر نفقه از سوی شوهر با زور صورت پذیرد، ثوابی نخواهد برد. در این‌گونه موارد، هرچند کارهای صورت‌پذیرفته ارزش حقوقی دارد، اما دارای ارزش اخلاقی نیست. بسیاری از فیلسوفان، از هزاران سال پیش، نتوانسته‌اند بین ارزش حقوقی و ارزش اخلاقی تفکیک کنند؛ درحالی‌که تمایز آن دو برای بررسی ارزیابی رفتارهای انسان ضروری است.

ارزش در مسائل سیاسی

با توجه به تفکیک ارزش اخلاقی از ارزش حقوقی با لحاظی که توضیح داده شد، می‌توان گفت در مسائل سیاسی نیز گاهی واجباتی وجود دارد که از سنخ واجبات حقوقی است. بنابراین در صورتی‌که این‌گونه کارهای واجب انجام نشود، با مؤاخذه همراه است؛ اما این‌گونه نیست که به هر صورتی انجام شود، ثواب داشته باشد. ثواب در صورتی است که یک کار برای خدا انجام شود یا به اطاعت او بینجامد؛ مثلاً از آنجاکه ولی امر مسلمین به کاری امر کرده و اطاعت او شرعاً واجب است، به نیت عمل به وظیفهٔ شرعی صورت پذیرد.

شرکت در انتخابات حق الناس و تکلیفی است که واجدان شرایط باید به آن عمل کنند و در غیر این صورت مؤاخذه خواهند شد. در عین حال ثواب داشتن یا نداشتن مشارکت در انتخابات به نیت شرکت‌کننده بستگی دارد. اگر کسی به این نیت در انتخابات شرکت کند که به شخص محبوب خود (بدون در نظر گرفتن صلاحیت‌های

۱۳۲۹ق، ج ۷، ص ۳۷۱)؛ روزه برای من است و من پاداش آن را خواهم داد یا روزه برای من است و ثواب روزه، خود من هستم.

ملاک ارزش واقعی

همان‌طور که بیان شد، ارزش هر کار از راه سنجش آن با نتیجه‌اش معلوم می‌شود. حال این پرسش برای متدینان و معتقدان به آخرت مطرح می‌شود که چه کاری برای آخرت، یعنی زندگی بی‌نهایت انسان، مفید است؟ اگر کسی به دین و آخرت اعتقاد یقینی داشته باشد و بداند هر کار اختیاری (حتی یک توجه قلبی، گفتن یک کلمه یا یک نفس کشیدن) می‌تواند در زندگی ابدی او مؤثر باشد، به این نتیجه می‌رسد که برای دانستن خوبی یا بدی واقعی کاری باید بداند آن کار نهایتاً در زندگی ابدی او اثر مثبت دارد یا منفی؛ زیرا ملاک ارزش واقعی یک کار، تأثیری است که نهایتاً در زندگی ابدی انسان دارد.

تمایز ارزش حقوقی از ارزش اخلاقی

در ارزش اخلاقی، افزون بر حسن فعلی، حسن فاعلی نیز شرط است و خوب در اخلاق، هنگامی به کاری اطلاق می‌شود که برای فاعل آن کار، مفید باشد. البته دیگران نیز به مناسبت ارتباط با او نفع می‌برند. اگر کاری به لحاظ شرعی از سوی خداوند متعال واجب شده باشد، باید آن کار را انجام داد. خداوند متعال می‌داند که نظام عملی و رفتاری اسلامی، برای همهٔ انسان‌هاست. ممکن است رفتار امروز من برای نسل‌های آینده مفید باشد. بنابراین اگر کاری به لحاظ شرعی واجب و انجام دادن آن با حسن فاعلی همراه باشد، دارای ثواب است و در غیر این صورت، هرچند واجب انجام شده، اما ثوابی بر آن مترتب نمی‌شود و موجب قرب الهی نمی‌گردد. از این رو ممکن است کاری به لحاظ شرعی واجب باشد، اما دارای ارزش اخلاقی نباشد؛ زیرا نیت غیرصالح مانع دستیابی انسان به کمال و قرب الهی می‌شود.

بر اساس توضیح پیش‌گفته می‌توان به تمایز ارزش اخلاقی از ارزش حقوقی دست یافت. اگر کسی مالی را به دست آورد و خمس به آن تعلق گرفت، باید آن خمس را پرداخت کند؛ وگرنه مؤاخذه خواهد شد؛ زیرا در مال غصبی و حرام تصرف کرده است. حال اگر خمس را برای ریا یا تظاهر به خوب بودن پرداخت کند، کار او ثواب ندارد و البته نمی‌تواند به بهانهٔ اینکه قصد قربت ندارد، خمس را

منابع.....

- ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۵ق). *عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینییه*. تحقیق و تصحیح مجتبی عراقی. قم: سید الشهداء.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. چ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۶۲). *النخصال*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۶). *الأمالی*. چ ششم. تهران: کتابچی.
- _____ (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. قم: کتاب‌فروشی داوری.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تحقیق حسن موسوی خراسان. چ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*. قم: شریف‌الرضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۲۹ق). *الکافی*. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. چ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). *تقد و بررسی مکاتب اخلاقی*. تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____ (۱۳۹۱). *صهباي حضور (شرح دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه)*. تدوین و نگارش اسدالله طوسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____ (۱۳۹۴الف). *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*. تحقیق و نگارش غلامرضا متقی‌فر. چ پنجم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____ (۱۳۹۴ب). *فلسفه اخلاق*. تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی. چ سوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. چ پنجم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. تحقیق و تصحیح مؤسسه آل‌البتی علیه السلام. قم: مؤسسه آل‌البتی علیه السلام.

لازم) رأی دهد، نه تنها ثوابی نبرده، بلکه به دلیل ضایع کردن حقوق دیگران، مرتکب گناه نیز شده است.

ممکن است کسی تحت تأثیر فرهنگ غربی، معتقد باشد که حق رأی برای خود اوست و به هرکسی دلش بخواهد، رأی می‌دهد. البته کسی مانع اختیار چنین شخصی در رأی دادن نمی‌شود و او می‌تواند آزادانه رأی خود را به صندوق بیندازد؛ همچنان که هر موقع بخواهد، می‌تواند دست به گناه بزند و جز در صورت علنی بودن آن و در شرایطی، کسی از گناه او جلوگیری نمی‌کند. مسلمانی که به ولایت فقیه اعتقاد دارد، باید رأی دادن را تکلیف و واجب شرعی بداند؛ زیرا ولی فقیه به آن دستور داده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶ ص ۴۰۸؛ ج ۱۵، ص ۲۵۰؛ ج ۱۸، ص ۲۸۶، ۴۱۰ و ۴۱۳؛ ج ۱۹، ص ۳۲۸؛ ج ۲۱، ص ۱۰). اگر کسی در انتخابات شرکت نکند، گناه کرده است. همچنین در صورتی از مشارکت در انتخابات ثواب می‌برد که با انگیزه‌ای خوب (مانند تقویت نظام اسلامی، واگذاری امور به اصلح برای اسلام و مسلمین و جلوگیری از روی کار آمدن شخص فاسد) صورت پذیرفته باشد. بنابراین مشارکت در انتخابات تنها حق شهروندی نیست؛ بلکه می‌تواند واجب شرعی باشد. از این رو نیت در ارزش یک کار بسیار اهمیت دارد.

نتیجه آنکه با در نظر گرفتن حسن فعلی و حسن فاعلی می‌توان دو دسته رابطه بین اخلاق و سیاست از منظر اسلام تصویر کرد. بر این اساس، اولاً - همان‌طور که توضیح داده شد - خود کار باید حسن فعلی داشته باشد؛ نه آنکه آن کار (با صرف نظر از نیت انجام‌دهنده آن) نادرست باشد و نتیجه آن به نفع اسلام و مسلمین نباشد؛ ثانیاً، وظایف سیاسی (اعم از آنچه حاکم، ولی امر، زمامدار یا کارگزاران انجام می‌دهند یا فعالیت‌های سیاسی که مردم انجام می‌دهند، مثل شرکت در انتخابات، اطاعت امر و فراهم کردن زمینه اجرای احکام اسلامی و احکام دولت اسلامی) در صورتی ارزش اخلاقی و ثواب اخروی دارد که به قصد اطاعت امر خدا انجام شود؛ در غیر این صورت، هرچند ممکن است ارزش عرفی اخلاقی یا حسن فعلی داشته باشد، اما از نظر اسلام ارزش اخلاقی به حساب نمی‌آید. کاری در اسلام به‌عنوان ارزش اخلاقی مطلوب است که موجب کمال نفس و ثواب اخروی شود و انجام‌دهنده آن کار را به هدف انسانیت و هدف خلقت نزدیک کند.